

آیا اعتصاب کارگران ایران خودرو – خراسان تنها میماند؟



اعتصاب ایران خودرو-خراسان، ۱۹ آبان ۱۴۰۰

زنجیره اعتصابات و اعتراض صف میلیونی کارگری جامعه باید یکجا به سمت مبارزات سراسری و تعرضی شکافته بشود. حق طلبی کارگری در آن جامعه باید گله مدیران عامل اضافه کاری و کار اجباری، مدیران دزدی از دستمزد کارگران را سر جای خود بنشانند... بحث بر سر ایران خودرو، صنعت پر طپش تولید و رونق و سود در اقتصاد ایران، بحث بر سر چشم و چراغ و تکیه گاه جنبش کارگری در آن جغرافیا است. هیچ گاه و هیچ جا، طبقه کارگر لنگر متشکل تر، سنبه پر زورتر و نیاز پر حرارت تری نسبت به خودرو سازهای خود پیدا نکرده و پیدا نخواهد کرد.



اعتصاب آذرماه سال ۱۳۹۹ در سالن مونتاژ ایران خودرو - خراسان از سایت "کارگران ایران"

صفحه ۲

صفحه ۳

از خیزش آبان تا جنبش کارگری

صفحه ۴

مروری بر بسیج طبقه کارگر حول کاهش ساعت کار

آیا اعتصاب کارگران ایران خودرو - خراسان تنها میماند؟

و واقعی خرت و پرت هایی که حتی جوابگوی پول تو جیبی بچه مدرسه ای خانواده نیست!

و بالاخره وقاحت مدیرعامل در مقابل خواست اعتصابیون جای تردید باقی نمیگذارد: "از ابتداء سال جاری به دلایل مختلف نتوانستیم به هدف تعیین شده و رفع تعهدات خود در قبال مشتریان دست یابیم اما وقتی شرایط مهیا شد وظیفه داریم خودرویی را که متعهد به تولید آن شده ایم تولید نموده و به مشتری تحویل نماییم این وظیفه ای است که در قبال مشتریان عزیزمان به دوش من و همه کارکنان گروه صنعتی ایران خودرو است. بدیهی است که تلاش ما در این راه گاهی طاقت فرساست."

هنوز خبری از پاسخ کارگران خودروساز خراسانی در دست نیست. باید منتظر شد. هیچ کس نمیتواند چشم بر دشواریهای پیش روی کارگران ببندد. اما واقعیت عریان تر این است که اعتصاب ایران خودرو، مصاف و مطالبات ایران خودرو، تصمیم و نبرد ایران خودرو محدود به آن کارخانه و محدود به صف پر سر و صدا، خشمگین و حق طلب روز پنج شنبه در خراسان نیست. زنجیره اعتصابات و اعتراض صف میلیونی کارگری جامعه باید یکجا به سمت مبارزات سراسری و تعرضی شکافته بشود. حق طلبی کارگری در آن جامعه باید گله مدیران عامل اضافه کاری و کار اجباری، مدیران دله دزدی از دستمزد کارگران را سر جای خود بنشانند... بحث بر سر ایران خودرو، صنعت پر طیش تولید و رونق و سود در اقتصاد ایران، بحث بر سر چشم و چراغ و تکیه گاه جنبش کارگری در آن جغرافیا است. هیچ گاه و هیچ جا، طبقه کارگر لنگر متشکل تر، سنبه پر زورتر و نیاز پر حرارت تری نسبت به خودرو سازهای خود پیدا نکرده و پیدا نخواهد کرد.

یکسال پس از اعتصاب نافرجام در خودرو- خراسان با طفره و جواب سرבלای مدیر عامل در مقابل مطالبات مشابه کارگران (اعتصاب سالن مونتاژ در 27 آذرماه 1399 در اعتراض به دو ساعت اضافه کاری اجباری در هر شیفت) ؛ تنها پنج روز پس از اعتصاب در کارخانه تبریز ایران خودرو (پانزدهم آبان ماه 1400 در اعتراض به شرایط کار و دریافتی ها) انتظار نایجابی نیست که خودرو سازان طبقه کارگر دست به اهرم های اتحاد و هم سرنوشتی کارگری خود ببرند و مدیر عامل های یاهو گو را سر جای خود بنشانند.

با جواب صریح مدیر عامل اکنون تنها یک راه در مقابل خودرو سازان خراسانی قرار میگیرد. مدیر عامل مشت های نحیف ستیزه جویی و مقاومت را نشان داده است. مدیریت با بهانه های بچگانه تصمیم دارد سر بدواند. همه میدانند که مثل همه اعتصابات خبری از تسلیم به مطالبات کارگران در کار نیست. اعتصاب و حق طلبی باید تعمیق یابد، ادامه پیدا کند، باید نیروی بیشتری گرد آورد... اگر خودرو سازان نتوانند، پس کدام بخش کارگری و کی میخواهند آستین بالا بزنند؟

خبر اعتصاب جمع کثیری از کارگران ایران خودرو- خراسان روز نوزدهم آبان ماه، در صدر اخبار سیاسی ایران قرار گرفت. ایران خودرو از مراکز صنعتی معتبر و صاحب نام کارگری در ایران است و شعبه خراسان آن در رده دوم شبکه تولید آن قرار دارد. اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران آن نمیتواند توجه عمومی را بخود جلب نکند. اخبار و شواهد گویای تعطیلی یک پارچه بخش مونتاژ است، کارگران سه شیفت صبح، ظهر و شب را در بر گرفته، و کارگران در لیست مطالبات و اقدام اعتراضی خود یکپارچه و متحد ظاهر شده اند. تصاویر منتشره راه پیمایی متحد کارگران در محوطه کارخانه و تجمع حق طلبانه و مصمم کارگران در کف تولید را نشان میدهد.

مطالبات کارگران دستمزد و دریافتی ها، کمبود نیرو و اضافه کاری اجباری عنوان شده است. حضور بلافاصله مدیر عامل کارخانه در جمع کارگران روز بیستم آبان دلالت کافی بر اهمیت اعتصاب را داشت. اما پاسخ مدیر عامل سر بالا، وعده ناروشن و امتناع از پذیرش مطالبات کارگران بود.

بنابیه گزارشات منتشره در جراید، مدیر عامل در پاسخ به حقوق و مزایای مورد مطالبه کارگران از طرح کذایی " باز نگری طرح طبقه بندی مشاغل با هدف افزایش دریافتی کارکنان" سخن گفت که " در حال حاضر این طرح در دست بازبینی است و در آینده نزدیک به تایید و تصویب خواهد رسید که پرداختی های آن از آبان ماه جاری محاسبه خواهد شد". از قرار معلوم طرح های تاکنون ناشناخته دیگری نیز در دستور مدیر عامل وجود داشته که بناگهان اعتصاب کارگران مدیریت را به افشای آنها وامیدارد: " در خصوص طرح تبدیل وضعیت هم شرکت ایران خودرو خراسان اولین شرکت در گروه صنعتی بود که از سال ۱۳۹۶ تبدیل وضعیت کارکنان پیمانکار را آغاز نموده و در حال حاضر هم بر اساس دستورالعمل های ابلاغی گروه صنعتی ایران خودرو این طرح در حال اجراست و فقط در اجرا ایرادی مشاهده شد که در ابتداء هفته به واحد منابع انسانی گوش زد کردم تا در صدد رفع آن برآیند."

هنوز خبری از واکنش کارگران به شعبده بازی مدیر عامل و طرح هایی که سر و ته آنرا نمیتوان با یک وعده توخالی هم آورد، در دست نیست. در زمینه شرایط کاری و اضافه کاری اجباری جناب مدیر عامل از وقاحت به سیم آخر میزند. جناب مدیر عامل ضمن اعتراف به شدت کاری تاکنونی " حوزه تولید با کمک خود شما عزیزان توانستیم تولید را از ۴۰۰ دستگاه در روز به بیش از ۶۵۰ دستگاه برسانیم... در حوزه مسائل رفاهی و حقوق و مزایا هم اقدامات مهمی انجام داده ایم، به عنوان مثال پرداخت های غیرنقدی از ۹۰۰ هزار تومان در سال ۱۳۹۳ به بیش از ۴ میلیون تومان در سال جاری رسیده است!!"

لابد جمع کارگران اعتصابی دهان یاهو گوی مدیر عامل و منت " پرداخت های غیرنقدی از ۹۰۰ هزار تومان در سال ۱۳۹۳ به بیش از ۴ میلیون تومان" را بسته اند. به ازاء 60 درصد افزایش تولید اتوموبیل، معادل چهار میلیون تومان پرداخت غیر نقدی برای یکسال! معادل پولی



حکومت را ویران کرد. باید همه وابستگان و مدافعان رنگارنگ این نظام را از سوراخ موش بیرون کشید و به زانو درآورد. باید همه مراکز قدرت را بر سر شان

خراب کرد، باید دستشان را از امتیازات کوتاه کرد، باید تمام موجودیت فکری و اجتماعی حاکمیت کثیف و استثمارگر را افسار زد... باید بسیار فراتر از خیابانها تمام ساختار قدرت در جامعه را در اختیار گرفت. باید نه فقط زندانها بلکه کل آزادی را تسخیر کرد. باید در خیابانها ماند؛ نان، تولید، بهداشت، مسکن، انبارها، مدارس و آموزش پرورش همه را از چنگ دشمنان بیرون کشید...

برای همه پیروزی، جبهه عظیم مردم آزادیخواه در ایران به نیروی بیشتر، اتحاد وسیعتر، و افق بلندتر نیاز دارند. آبان گواه تشنگی، ولع و ستیزه جویی آن جامعه است. جنبش کارگری وسیع و پرشتاب در دسترس جامعه قرار دارد تا ظرفیت ها و پتانسیل مبارزاتی در جامعه را در جهت یک آلترناتیو انقلابی بکار بگیرد. همه چیز در گرو آنست که جنبش کارگری نباید بر روی احتمال وقوع خیزش ها حساب جدی باز کند. برعکس، خیزش های انقلابی و توده ای پیش از آنکه جزو شرایط کار جنبش کارگری باشد باید از نتایج و محصولات پیشروی جنبش کارگری به حساب بیاید.

دو سال گذشت. نیاز به پیروزی و حسرت پیروزی در سرتاسر جامعه شعله ور است. آنچه که دست ما را همچنان از آرزوهای بر حق خود کوتاه کرده "غفلت" از دریای حق طلبی و مبارزه جویی است که ما را در هر گذر در محاصره خود گرفته است. هر روز پرستاران، بازنشستگان، معلمان و کارگران در فریادها و اجتماعات خود "آبان" تازه تری را در مقابل چشمان ما خلق میکنند اما ما کمتر میبینیم، کمتر ارج میگذاریم و کمتر مورد حمایت قرار میدهیم.

واقعیات گواه آنست که آن جامعه سر تسلیم ندارد. از پای نخواهد نشست. شک نداشته باشیم بجای فقر و جهل و ظلم امروز؛ روزی آزادی، برابری و عدالت اجتماعی خواهد نشست. راه ما از اینجا تا به آنجا از مسیر آگاهی کارگران به منافع طبقاتی شان، توانایی کارگران در دفاع از حقوق حقه شان، از مسیر تشکل و افزایش قدرت کارگر در مسیر حکومت کارگری میگذرد.

هیچ ارتشی با سودای پیروزی، هیچگاه از گستاخی و سرسختی و جسارت صفوف خود تضعیف نشده است... شهرها و شر و شور تبار آزادیخواهی در ایران را با روح آشوب آبان آن آذین ببندیم. در بزرگداشت آبان و در همان مسیر، دست همزنجیران خود را بگیریم، سنگرهای امروز را هر اندازه کوچک بنظر بیایند به نیروی خود تسخیر کنیم، در هر قدم متحدتر شویم، صفوفمان را فشرده تر کنیم و آماده شویم!

از خیزش آبان تا جنبش کارگری

خیزش آبان ماه در دومین سالگرد خود همچنان در هیبت یک فاکتور اساسی بر تحولات سیاسی ایران سنگینی میکند. اینگونه خیزش ها قابل پیش بینی نیستند. زمان و مکان دقیق آنها را نمیتوان پیش بینی و برنامه ریزی کرد. رعد و برق در آسمان آبی و هنگامه نا بهنگام مردمی که ناگهان به سیم آخر میزنند برای توضیح آن زیادی بچگانه است، هر چند شواهدی از هر یک را با خود حمل میکند.

آبان یک تک رویداد جدا افتاده نبود. یک تلاطم نبود، یک پرونده نیست که بسته شود. بازماندگان و کیفر خواست آنها، همه با هم کانالی برای زنده نگاه داشتن یک زخم است. سرکوب میشود، شکست نمیخورد. عقب مینشینند تا جلوتر بیایند. زمین میخورد، اما راه تازه پیشروی را پیشه میکند. فراموش نمیشود، سر التیام ندارد... این فصل مشترک نسل و مردمانی است که از آبان تغذیه میکنند، با آن رویا میپرورند، و برای نوبت بعدی نیرو جمع میکنند.

آبان به خاک و خون کشیده شد تا انحطاط سر تا پا و همه درز و ترک های دیوار حکومت را در خود بگیرد. آبان پیروز نشد. اما جلال و شکوه آن در چهره کربیه دشمنان "پیروز" آن هویدا است. خیل عظیم اوباشان، جیره خوران حقیر، ششلول بندهای جنایت پیشه، چماقداران کینه توز و ستایشگران حقارت و بندگی در ضیافت مشترک پسا آبان شان غرق در چرک و کثافت فقر و تحقیر و تبهکاری لاف میزنند، لگد پرانی میکنند، زور میگویند، باج میگیرند، افسار گسیخته دنبال بهانه میگردند... و هستند، هنوز هستند!

آبان و خیزش آن یک بخش اجتناب ناپذیر آن جامعه است. آبان و خیزش آن در ورای ترس و تهدید و تنهایی و نکبت حاکمین سرمایه، اسلحه دست مردمانی است که برای فتح حقوق مسلم خود از خانه بیرون میزنند. اینها مردمانی از میان همسایگان، همکاران و همبازی های همیشه آشنا هستند که دل به دریای هم سرنوشتی و اعتماد به یکدیگر زده و دیگر خدا را بنده نیستند. هر خیزش در نوع خود با ابتکار عمل، با نموده های تحسین برانگیز شجاعت و تهور فردی و جمعی در یادها میماند، اما "بی انصافی" تلخ آنجاست که خمیرمایه اصلی این خیزش ها در دل نارضایتی ها و بحث و روابط و تبادل نظرهای روزمره کمتر مورد توجه قرار میگیرد. شکوه آبان در نماد آرزوهای غالب مشترک شرکت کنندگان است، باور به چیزی که آنچنان مرگ و زندان و دربدی را حقیر میشمارد، باور به اهدافی که با قدرت خود میتوان تحمیل کرد...

بدون آبان خشت روی خشت زندگی توده های میلیونی باقی نمیماند. در غیاب آبان تکلیف مردم با انبان نفرت و کینه از تحقیر و فروستنی چه خواهد بود؟ تکلیف مردم با خواستها و ایده آله و نرم های شایسته انسانی و توقعات شان چیست؟ با همه اینها تکرار آبان نه شدنی است و نه میتوان روی آن حساب باز کرد. آنچه اهمیت دارد اینست که برای رویارویی با آبان بعدی باید آمادگی داشت، از آن در مقابل سرکوب و توطئه پروکاتورها های دولتی حفاظت کرد و برای بیشترین پیروزیها آنرا تقویت کرد. اما مساله اصلی برای مردم آزادیخواه اینست که باید برای همه پیروزی جنگید. باید پایه های

مروری بر بسیج طبقه کارگر حول کاهش ساعت کار



بالتیمور از طرف نمایندگان چهار اتحادیه کارگری "اتحادیه سراسری کارگران امریکا" بنیان گذاشته شد. ابتکار عمل را رهبر کارگری سرشناس و جوان بنام ویلیام سیلوینس بعهده داشت و خود او واسطه میان اتحادیه سراسری با انترناسیونال اول گردید. اجلاس انترناسیونال اول در سال ۱۸۶۶ قطعنامه زیر را به تصویب رساند:

"نخستین و مهمترین وظیفه در راه نجات کارگران امریکا از بردگی سرمایه ایجاب میکند که کار هشت ساعته بعنوان قانون و روال معمول کار در سراسر امریکا به اجرا در آید. ما مصمم هستیم تمام توان خود را تا حصول این نتیجه شکوهمند به کار بگیریم."

اجلاس انترناسیونال اول اقداماتی مبنی بر همکاری کارگران مصمم و متعهد برای نمایندگی طبقه کارگر با اتکا به مواضع سیاسی مستقل را در دستور گذاشت. سپتامبر سال ۱۸۶۶ در کنگره ژنو انترناسیونال اول در طی یک قطعنامه هشت ساعت کار بعنوان مرز قانونی روز کار جهانی طبقه کارگر مورد تصویب قرار گرفت.

مارکس با انتشار جلد اول کتاب "سرمایه" در سال ۱۸۶۷، بخصوص در فصل دهم در بررسی موضوع روزکار، به مبارزات کارگران امریکا برای کاهش ساعت کار میپردازد. این جنبش را میوه جنگ داخلی و مرگ برده داری مینامد که نیروی متحد کارگری در ورای رنگ پوست را بر فراز اقیانوس آرام، از انگلند جدید تا کالیفرنیا به صورت سریع السیر به حرکت در آورده است. در عین حال مارکس دو مصوبه یکی در ژنو توسط بین الملل و دیگری در بالتیمور توسط اتحادیه سراسری کارگری بدون نقشه قبلی در فاصله فقط دو هفته را دلیلی بر رشد جنبش طبقاتی کارگری برمی شمارد.

شتاب نوین در جنبش هشت ساعت کار

سال ۱۸۸۴ در کنوانسیون چهارم اتحادیه سراسری کارگران امریکا و کانادا

(Federation of Organized Trades and Labour Unions of the United State and Canada) تصویب قطعنامه زیر جنبش کاهش ساعت کار را وارد مرحله تازه ای ساخت: "از طرف فدراسیون اتحادیه های کارگری روز کار هشت ساعته بعنوان مرز قانونی کار کارگران از تاریخ اول ماه سال ۱۸۸۶ مقرر میگردد. ما همه سازمانهای کارگری را برای تغییر مقررات حاکم بر محیط فعالیت خود و تحقق مصوبه هشت ساعته فرا میخوانیم."

تاریخ مبارزه برای روزکار هشت ساعته بطرز ناگسستگی با خاستگاه مناسبت اول ماه مه به هم گره خورده است. اهمیت سیاسی پیروزی مطالبه هشت ساعت و چند و چون این تجربه گرانبها ایجاب میکند که این دو را از هم تفکیک کرد. نوشته حاضر تلاشی است که تاریخ جنبش عظیم هشت ساعت کار در هفته را زیر ذره بین قرار دهد. این جنبش را میتوان از سالهای نیمه دوم قرن نوزدهم و چند دهه در اوایل قرن بیستم بوضوح و تا حد زیادی متأثر از یکدیگر بخصوص در امریکا، اروپا و استرالیا ردیابی کرد. اما پایه های اصلی جنبش رو به جنبش کارگری امریکا و بخصوص شهر شیکاگو اشاره دارند.

اگر چه مطالبه افزایش دستمزد موضوع اصلی اعتصابات بزرگ کارگری در امریکا را تشکیل داده است، اما اعتراض به ساعات کار طولانی و شرایط غیر قابل تحمل کار را در بسیاری از مراکز تولیدی میتوان سراغ گرفت. در نیمه دوم قرن نوزدهم هنوز ساعات کار "از طلوع آفتاب تا غروب آفتاب" در امریکا بسیار عادی به حساب میامد. روز کار چهارده، شانزده و هجده ساعته غیر معمول نبود. سالهای ۱۸۲۰ و ۱۸۳۰ پر از اعتصابات با مطالبه روشن حول کاهش ساعت کار است. مشخصا مطالبه ده ساعت کار روزانه از طرف "اتحادیه کارگران مکانیک فیلادلفیا"، آنچه میتوان آنرا نخستین اتحادیه کارگری جهان نامید، مطرح گردید. سال ۱۸۲۷ نخستین اعتصاب با همان خواست از طرف کارگران ساختمانی در فیلادلفیا ثبت شده است. در یک گزارش از اعتصاب کارگران نانوايي های شهر نیویورک منعکس است که این کارگران در شرایط بدتر از بردگان فراغه مصر روزانه هجده تا بیست ساعت مجبور به کنار بوده اند.

این اعتراضات خیلی زود وسعت یک جنبش گسترده حول مطالبه ۱۰ ساعت کار را بخود گرفت. بحران اقتصادی ۱۸۳۷ از تب و تاب آن کاست ولی توانست ساعت کار ده ساعته را برای کارکنان دولتی به امضاء رئیس جمهور وقت، "وان بورن"، به کرسی بنشاند. جنبش کاهش ساعت کار در ابعاد بین المللی گسترش یافت و پرچم هشت ساعت کار را برافراشت. سالهای ۱۸۵۰ تب هشت ساعت کار در میان اتحادیه ها و سازمانهای کارگری بالا گرفت. این جنبش قبل از آنکه با سد بحران اقتصادی سال ۱۸۵۷ موقتا از نفس بیافتد، یک سال قبل تر در استرالیا پیروزی شکوهمند "هشت ساعت کار، هشت ساعت استراحت، هشت ساعت آنچه خود بخواهیم" یک واقعیت بود.

جنبش هشت ساعت کار در امریکا

پایه های جنبش اعتراضی کارگران امریکا که مستقیما پایه های مناسبت اول ماه مه را شکل داد را باید در بسیج سراسری کارگری سال ۱۸۸۴ جستجو کرد. هسته یک همکاری سازمان یافته سراسری با وعده یک مبارزه ملیتانت مورد استقبال عمومی قرار گرفت. بعد از سالهای جنگ داخلی ۱۸۶۱ همکاری چند اتحادیه کارگری محلی از جمله اتحادیه ماشینبست و اتحادیه جوشکاران امید یک حرکت گسترده سراسری را دامن زد. بیستم ماه اوت سال ۱۸۶۶ در اجلاس

در شیکاگو اعتصاب و اجتماعات پر شور و رادیکال با حمله مسلحانه پلیس و مزدوران مسلح باند سیاهی روبرو گردید. اجتماع چند هزار نفره در پارک مرکزی شهر با هدف استقبال و تدارک تظاهرات بزرگ با تیر اندازی مستقیم پلیس شش کشته از میان کارگران بجا گذاشت. روز بعد در چهارم ماه مه اجتماع تازه تر کارگری در بزرگداشت کشته شدگان روز قبل با هجوم مجدد پلیس مواجه گردید. یک بمب در حین رویدادها به سمت پلیس پرتاب شد. عامل انفجار هرگز شناخته نشد. اما در یک پرونده ملامال ساختگی چهره های فعال سرشناس آنارشیزست مجرم قلمداد، و چهار نفر به دار آویخته شدند. وقایع سوم و چهارم ماه مه، زندگینامه و دفاعیات فعالین اعدام شده بخش تفکیک ناپذیر تاریخچه مبارزه روز جهانی کارگر شناخته میشوند.

نیمه دوم سال ۱۸۸۶ صرف زدودن آثار حملات پلیس و طبقه حاکمه و برای بازسازی جنبش هشت ساعت کار گردید. فدراسیون کار آمریکا اول مه سال ۱۸۹۰، را برای فراخوان اجتماعات کارگری بمنظور تجلیل مبارزه بر سر هشت ساعت کار مناسب تشخیص داد. متعاقباً از طرف آنچه در ادامه انترناسیونال دوم کارگری نام گرفت در کنگره پاریس خود با تصویب یک قطعنامه تحرک بین المللی تازه ای را حول مطالبه هشت ساعت و یک روز جشن جهانی کارگری بنیان گذاشت. سال ۱۸۹۰ شهرهای بزرگ اروپا و آمریکا به صحنه رژه بزرگ کارگری و با پرچمهای هشت ساعت کار تبدیل شد. کنگره سال بعد انترناسیونال، سال ۱۸۹۱ در بروکسل اول مه و خواست هشت ساعت کار را با هدف تقویت هم سرنوشتی میان کارگران کشورهای مختلف در مقابل جنگ افروزی طبقات حاکمه و تعمیق مبارزه طبقاتی مورد تاکید قرار داد. قطعنامه مزبور خواهان تعطیل اول مه توسط کارگران بود.

انگلس در مقدمه خود به چهارمین نسخه آلمانی مانیفست کمونیستی که در اول مه ۱۸۹۰ منتشر شد، درباره اهمیت روز جهانی کارگر می-گوید:

"همانطور که من این خطوط را می نویسم، پرولتاریای اروپا و آمریکا برای اولین بار به عنوان یک ارتش واحد زیر یک پرچم، برای یک هدف فوری مشترک، یعنی یک روز کاری هشت ساعته، که بر پایه های قانونی استوار است بسیج می شوند. . . منظره ای که اکنون شاهد آن هستیم باعث خواهد شد که سرمایه داران و زمین داران تمام کشورها متوجه شوند که امروز پرولتاریای جهانی، در عمل متحد و در کنار هم هستند. اگر فقط مارکس با من بود تا آن را با چشمان خودش ببیند!"

این قطعنامه چیزی درباره مدت و روشهای عملی و اجرایی را روشن نمیکرد. اما ناگفته روشن بود چنین مصوبه و ادعای بلندپروازانه آن از جانب یک سازمان کارگری که تعداد اعضای آن حداکثر از پنجاه هزار نفر فراتر نمیرفت، تنها میتوانست یک فراخوان مبارزاتی و یک پرچم بسیج اعتراض کارگری باشد. این دقیقاً همان چیزی بود که بوقوع پیوست. اتحادیه ها و همه طیف متنوع سازمانها و تشکلهای کارگری و سوسیالیستی از "شوالیه های کار"، آنارشیزستها تا اتحادیه های شناخته شده با روشهای رفرمیستی با تدارک گسترده به استقبال فراخوان شتافتند.

یک زمین لرزه کارگری:

آمادگی برای اعتصاب "هشت ساعت کار" در اول مه

اگر چه فاصله یک دهه میان ۱۸۸۰ و ۱۸۹۰ بطور کلی یک دوره رونق کم سابقه توام با رشد صنعتی و گسترش بازار داخلی شناخته میشود، اما متاثر از بحران فلج کننده سال ۱۸۷۳ و بیکاری عظیم ناشی از آن یک جنب و جوش پر حرارت کارگری حول هفت ساعت کار را به ارث برده است. مبارزه برای هفت ساعت کار نتیجه مستقیم مبارزات کارگری علیه بیکاری بود و در اوج خود در اعتصابات تاریخی بخشهای معدن، راه آهن و فولاد تجربه رزمندگی عمیقی را در کل طبقه کارگر بجا گذاشت. مطالبه هشت ساعت کار در هفته بر بستر فضای اعتراضی گسترده کارگری برای کاهش ساعت کار، بنوبت خود موج وسیعی کارگران بسوی تشکل یابی را به همراه آورد. آمارهای غیر رسمی از سازمان شوالیه های کار حکایت از افزایش تعداد اعضای کارگر آنها از دویست هزار به ۷۰۰ هزار در سالهای حوالی ۱۸۸۶ دارد که مدیون تلاش گسترده مبارزاتی این سازمان کارگری روی موضوع کاهش ساعت کار ارزیابی میشود.

سالهای ۱۸۸۵ و ۱۸۸۶ شاهد یک زمین لرزه اعتصاب و حق طلبی متشکل در آمریکا است که با هیچ دوره دیگری در تاریخ مبارزه طبقاتی کارگری قبل مقایسه نیست. آمار اعتراضات کارگری در سالهای پر التهاب ۱۸۸۱ تا ۱۸۸۴ حکایت از تعداد ۵۰۰ مورد است و بطور متوسط سالانه ۱۵۰ هزار کارگر را شامل شده است. اعتصابات سال ۱۸۸۵ تعداد ۷۰۰ مورد را نشان میدهد که ۲۵۰ هزار کارگر را شامل شده است. سال بعد، سال ۱۸۸۶ اعتصابات دو برابر شده و حکایت از دست کم حمایت و شرکت فعال نیم میلیون کارگر دارد.

اعتصابات و مشخصاً تدارک اعتصاب بزرگ اول مه در پی مطالبه "هشت ساعت" بیشتر از هر جا روی شیکاگو متمرکز بود، اما جنب و جوش در بسیاری از شهرهای دیگر، نیویورک، بالتیمور، واشنگتن، سن سینتی، پیتزبورگ دیترویت و بسیاری شهرهای دیگر را نمیتوان از قلم انداخت. از مشخصات اعتصابات این دوره از جمله در جذب فعال کارگران غیر ماهر و غیر اتحادیه ای نام برده میشود. رسانه های طبقه حاکم از یک روح ستیزه جوی کارگری، از نفرت گسترده از سرمایه از یک فضای جنگ اجتماعی غالب بر اعتصابات سخن رانند.

نشریه علیه بیکاری

سردبیر: مصطفی اسدپور

مدیر مسئول: سیوان رضایی

تماس: آدرس ایمیل info@a-bikari.com

مقالات این شماره توسط مصطفی اسدپور نوشته شده است. استفاده از مطالب با ذکر منبع آزاد است.

از انتشارات

علیه بیکاری
WWW.A.BIKARI.COM



مروزی بر بهترین اعتراضات کارگران معادن
در ایران
(فصله سشاهان ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹)



مروزی بر قانون های
اعتراضی طبقه کارگر در
ایران
مجله
مجله



روایتی از بیکاری یک کارگر ساختمانی



علیه بیکاری
شماره ۱۳۹۹



مروزی بر بهترین اعتراضات کارگران
بخش صنعت
(سشاهان ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹)



مروزی بر بهترین
اعتراضات کارگران در
صنعت



شوراهای بیکاران
چرا و چگونه؟
(الگوها و تجربیات عملی)

(جزوه اول)



اعتصاب نان و دستمزدها؟
اعتصاب حرمه، اعتصاب غرور و شرافت کارگری
(روزنامه مروزی بر اعتصاب کارگران تیشتر هله تبه! تابستان ۱۳۹۹)



مروزی بر بهترین اعتراضات کارگران بخش خدمات
در ایران
(فصله سشاهان ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹)



نار مزدی و سرمایه
حرمه پشکار فریدریش انگلس



(هلت تبه، فولاد اهواز، هیکو و آذربای)



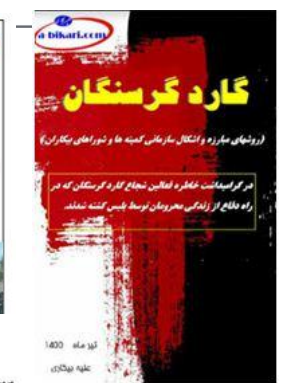
کول مار کس



کارگران و مساله
بیکاری



در تدارک روز جهانی کارگر
روز جهانی کارگر
کارگران جهانی متحد شوید!
1 MAY
مردم به هر کس در گردهمایی روز کارگر دعوت به جشن و مسالیه است که
کارگری به طایر کو طوری با شکر از آن اصاع کس کارگری روز شرف کشن و
مجلس تودک پوس در روزهای و شکت حال دتار خواهران و وهران
کار کو است روز خاموسی برای مبارزه شکتی است روزی که همه ما باید
ایران مساله تمام بشاریم



روزهای مبارزه و اشکال مبارکاتی کسبه ها و شوراها بیکاران
هر گرسنه است خواره اهلین شجاع کاره گرسنگان که در
راده دایع از زندک بمر ومان لوسه بانی کشته نمادند
کول ماه ۱۸۵۵
علیه بیکاری



علیه بیکاری
شماره ۱۳۹۹